عنوان پژوهش :

**مقایسه اقسام نفقه در فقه شیعه**

استاد راهنما :

**حجت الاسلام و المسلمین استاد نجفی**

محقق :

**محمدمهدی باقری میمند**

مرکز آموزشی :

**مدرسه علمیه علوی قم**

سال تحصیلی :

**1399 – 1398**

پایه تحصلی :

**شِشُم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

به مصداق « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بسی شایسته است از اساتید فرهیخته و فرزانه‌ام جنابان آقایان حجت الاسلام و المسلمین نجفی و حجت الاسلام و المسلمین عابدینی که با کرامتی چون خورشید ، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده بارور ساختند ، تقدیر و تشکر نمایم.

چکیده :

یکی از مسئولیت‌هایی که جامعیت و اجتماع محور بودن دین اسلام اقتضاء می‌کند ، پرداختن نفقه توسط هر انسان به نزدیکان و حتی مملوکاتش مانند حیواناتش است. این پرداختن نفقه با توجه به گیرنده‌ی آن به سه دسته کلی نفقه همسر ، نفقه نزدیکان و نفقه مملوک ، تقسیم می‌شود که هر کدام دارای احکام و شرایط خاصی می‌باشد. مقایسه این سه قسم با یکدیگر و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها باعث فهم دقیق‌تر ماهیت نفقه می‌شود. در این پژوهش پس از بررسی تفصیلی نفقه به صورت مطلق در فصل اول ، سعی شده با مطالعه دقیق نظر مشهور فقها درمورد موضوعات ، احکام و شرایط مربوط به نفقه ، مقایسه مفید و هدفمندی بین اقسام نفقه صورت بگیرد. در نتیجه مشخص شد که سه مورد وجوبی پرداخت نفقه اگر چه شباهت‌های مهمی با یکدیگر دارند لکن تفاوت‌هایی دارند که چشم‌پوشی از آن‌ها برای هیچ محققی در راستای تفقه جایز نمی‌باشد. برای نمونه فقر مالی در وجوب نفقه دادن مکلف به نزدیکان شرط است اما چنین شرطی در وجوب نفقه دادن به همسر وجود ندارد.

کلمات کلیدی :

نفقه ، فقه شیعه ، نفقه همسر ، نفقه نزدیکان ، نفقه مملوک

فهرست

[مقدمه 1](#_Toc36208139)

[**کلیات** 2](#_Toc36208140)

[**مراد از « نفقه »** 2](#_Toc36208141)

[**« نفقه » در لغت** 2](#_Toc36208142)

[**« نفقه » در اصطلاح فقهی** 3](#_Toc36208143)

[**« نفقه » ؛ تاسیسی یا امضائی** 3](#_Toc36208144)

[**« نفقه » ؛ حقیقت شرعیه یا متشرعیه** 4](#_Toc36208145)

[**« نفقه » در اصطلاح قانون مدنی** 4](#_Toc36208146)

[**اسباب « نفقه »** 5](#_Toc36208147)

[**جمع بندی** 5](#_Toc36208148)

[**« نفقه » همسر** 6](#_Toc36208149)

[**ادله وجوب « نفقه » همسر بر شوهر** 7](#_Toc36208150)

[**ادلّه قرآنی** 7](#_Toc36208151)

[**ادله روایی** 8](#_Toc36208152)

[**ماهیت « نفقه » همسر** 8](#_Toc36208153)

[**شرایط وجوب نفقه همسر** 10](#_Toc36208154)

[**شرط اول ، دوام ازدواج** 10](#_Toc36208155)

[**شرط دوم ، تمکین همسر** 11](#_Toc36208156)

[**چگونگی پرداخت نفقه به همسر** 13](#_Toc36208157)

[**جمع‌بندی** 14](#_Toc36208158)

[**نفقه خویشان** 15](#_Toc36208159)

[**موارد وجوب نفقه** 15](#_Toc36208160)

[**ادله وجوب** 15](#_Toc36208161)

[**موارد استحباب نفقه** 17](#_Toc36208162)

[**ادله استحباب** 17](#_Toc36208163)

[**شرایط وجوب نفقه دادن به نزدیکان** 17](#_Toc36208164)

[**استطاعت نفقه دهنده** 17](#_Toc36208165)

[**فقر نفقه گیرنده** 18](#_Toc36208166)

[**مقدار نفقه نزدیکان** 18](#_Toc36208167)

[**جمع بندی** 19](#_Toc36208168)

[**نفقه مملوک** 20](#_Toc36208169)

[**مراد از مملوک** 20](#_Toc36208170)

[**ادله وجوب نفقه مملوک** 20](#_Toc36208171)

[**مقدار نفقه مملوک** 21](#_Toc36208172)

[**فرع مهم** 21](#_Toc36208173)

[**جمع بندی** 21](#_Toc36208174)

[**مقایسه اقسام نفقه** 22](#_Toc36208175)

[**شباهت‌ها** 22](#_Toc36208176)

[**تفاوت‌ها** 23](#_Toc36208177)

[**جمع بندی** 24](#_Toc36208178)

[**نتیجه گیری** 26](#_Toc36208179)

[منابع 27](#_Toc36208180)

# مقدمه

دو ویژگی جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها ، دنیوی بودن ( با مسائل دنیوی درگیر بودن ) و اجتماعی بودن آن است. هیچ انسانی مگر در خیال خود نمی‌تواند بدون این دو فاکتور زندگی کند. از طرفی این ویژگی‌ها انسان را با احتیاجاتی رو به رو می‌کنند که او را همواره در پی کشف راه حل جدیدی برمی‌انگیزانند. اما بدیهی است که انسان و عمر کوتاهش ، تاب پاسخگویی به سوالات مختلف پیرامون کیفیت مرتفع ساختن این مشکلات را ندارند. لذا بر خالق انسان واجب می‌شود که او را برای زندگی در این دنیا با همه مشکلاتش راهنمایی کند. دین اسلام به عنوان راهنمای زندگی اجتماعی و فردی انسان ، با توجه به جامعیتی که دارد به بسیاری از این پرسش‌ها پاسخ داده است اگر چه ممکن است پاسخ‌یابی تعدادی از آن‌ها را به خود انسان و عمر کوتاهش واگذار کرده باشد. یکی از مواردی که جامعیت و اجتماعی بودن انسان اقتضاء می‌کند ، راهنمایی کردن درمورد مسائل مالی در خانواده به عنوان کوچک ترین جامعه در زندگی هر انسان می‌باشد. اسلام در قالب واجب کردن نفقه ، تهیه مایحتاج زندگی اعضای خانواده را با شرایط و تفصیلاتی که خواهد آمد ، سعی نموده به نوعی به تسهیل زندگی انسان ها پرداخته است. این موارد وجوبی پرداخت نفقه با توجه به شخص نفقه‌گیرنده به سه دسته نفقه همسر ، نفقه نزدیکان و نفقه مملوک تقسیم می‌شود که شرایط و احکام این سه دسته با هدف تدقیق در اقسام ، مقایسه خواهد شد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن بیان خواهد شد.

این از آنجایی که انسان ناگزیر از زندگی در این دنیا و به تبع خانواده می‌باشد ، پاسخگویی به این سوالات می‌تواند تاثیرات بسزایی در زندگی او داشته باشد. در این راستا ابتدا هر کدام از اقسام به صورت جداگانه و مفصل بحث خواهد شد و در انتها نتایج به دست آمده از مقایسه احکام و شرایط را خواهیم آورد. این بحث بالتبع از آن‌جایی که به مسائل مالی مرتبط است ، از مسائل حقوقی به شمار می‌رود که سعی می‌شود در حد طلاب سطح یک حوزه علمیه ، گردآوری و تحقیق گردد.

# **کلیات**

در فصل اول ( کلیات ) به بررسی تعاریف و گزاره هایی پرداخته می‌شود که در فصل‌های بعدی به نحوی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین با اقسام نفقه آشنا می‌شویم تا بتوانیم هر کدام از آن‌ها را در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

## **مراد از « نفقه »**

با توجه به پرسش اصلی این مقاله ، که در مورد اقسام « نفقه » ، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها مطرح شده است، ابتداءاً باید مراد و مقصود خود را از « نفقه » مشخص کرد. طبیعی است که در ذهن متشرعه ، با شنیدن این واژه ، معانی و احکامی تداعی می‌شود لکن این معانی و احکام غالبا از دقت کافی برخوردار نیستند و نمی‌توانند نیاز ما را برای پاسخ به پرسش اصلی تامین کنند. این امر موجب می‌شود که در ادامه راه ، با تدقیق بیشتر در مفهوم و اقسام « نفقه » ، به فهم دقیق‌تر از این مفهوم برسیم.

## **« نفقه » در لغت**

ظاهرا نفقه در لغت ، به آن چیزی گفته می‌شود که إنفاق می‌شود.

حسین بن محمد راغب اصفهانی می‌نویسد : « نَفَقَ الشَّيْ‌ءُ: مَضَى و نَفِدَ، يَنْفُقُ، إِمَّا بالبيع نحو: نَفَقَ البَيْعُ نَفَاقاً، و منه: نَفَاقُ الأَيِّم، و نَفَقَ القَوْمُ: إذا نَفَقَ سُوقُهُمْ، و إمّا بالمَوْتِ نحو: نَفَقَتِ الدَّابَّةُ نُفُوقاً، و إمّا بالفَنَاءِ نحو: نَفِقَتِ الدَّرَاهِمُ تُنْفَقُ و أَنْفَقْتُهَا. و الإِنْفَاقُ قد يكون في المَالِ، و في غَيْرِهِ، و قد يكون واجباً و تطوُّعاً. » ( مفردات ألفاظ القرآن، ص: 820‌ )

ظاهر کلام راغب ، این است که « نَفَقَ » به معنای تمام شدن است و خود این تمام شُدَن می‌تواند با فروختن ، مرگ و ... صورت پذیرد.

سید علی اکبر قرشی در لغتنامه خود مانند همیشه با تحلیل کلام دیگر لغوی‌ها ، با تفصیلات کافی در مورد معنای « نَفَقَ و نفقه » می‌نویسد: « نفق : نفق ( بر وزن فرس ) و نفاق (بفتح- ن) بمعنى خروج يا تمام شدن است. در مجمع ذيل آيه « نَفَقاً فِي الْأَرْضِ» فرموده: اصل نفق بمعنى خروج است. و در ذيل آيه 3 بقره فرموده: إنفاق اخراج مال است. « انفق ماله » مال خويش را از ملكش خارج كرد. در لغت آمده: نفقت الدّابَّة نفوقا: مات و خرج روحها. راغب ميگويد: « نفق الشّى‌ء : مضى و نفد » يعنى شى‌ء رفت و تمام شد. در صحاح گويد: « نفق الزّاد نفقا: نفد » توشه تمام شد. زمخشرى از يعقوب نقل كرده: « نفد الشّى‌ء و نفق واحد » يعنى هر دو به يك معنى است. على هذا انفاق را از آن انفاق گويند كه شخص مال را بدان وسيله از دستش خارج ميكند و يا فانى مى‌نمايد. نفقة: آنچه خرج و مصرف ميشود. » ( قاموس قرآن؛ ج‌7، ص: 97 )

## **« نفقه » در اصطلاح فقهی**

برای پی بردن به مفاهیم اصطلاحات در هر علم ، کتبی نوشته شده است که دستیابی به یک معنای کلی از هر اصطلاح آن علم را بسیار راحت می‌کند.

در مورد علم فقه نیز ، به همین منوال کتبی برای روشن کردن مصطلحات آن ایجاد شده است. در یکی از این کتب ، در باب مفهوم نفقه در اصطلاح فقهی آمده است : « النفقة مستعملة في الفقه في باب النكاح فيما يجب إنفاقه أو يستحب. » ( مصطلحات الفقه؛ ص: 543 )

ظاهر از کلمات و نوع مقدمه مباحث فقها در این باب این است که نفقه دارای همان معنای لغوی می‌باشد و تنها برخی تضییق و توسیع هایی در آن رخ داده است.

## **« نفقه » ؛ تاسیسی یا امضائی**

با توجه به آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی « نفقه » بیان شد ، می‌توان فهمید که شارع مقدس درمورد لفظ نفقه ، معنای جدیدی را وضع نکرده است و تنها احکامی را برای افرادی از نفقه که در سیره عقلاء از قبل از دین اسلام وجود داشته است ، جعل نموده است.

میرزا علی مشکینی می‌نویسد : « فليعلم أولا أن الإنفاق على الأولاد بالمعنى الأعم من إرضاعهم، و على الأرحام و الزوجات، مما يقتضيه طبع الإنسان بل الحيوان في الجملة، و به استقام أمر مجتمعهم، و استقر عيشهم، و استمر نظام حياتهم، و ليس ذلك مما اخترعه الشارع و تعبد به الناس تأسيسا، بل قد أمضى ما جرت عليه سيرة العقلاء، و تصرف في بعض خصوصياته كيفا أو كمّا، و منع من بعض ما لم يكن صلاحا في نظامهم. » ( مصطلحات الفقه؛ ص: 544 )

## **« نفقه » ؛ حقیقت شرعیه یا متشرعیه**

یکی از مسائل مهمی که در علم اصول به آن پرداخته می‌شود ، مسئله حقیقت شرعیه و یا حقیقت متشرعیه است.

از آن‌جایی که این بحث ( حقیقت شرعیه یا متشرعیه ) درمورد موضوعات و الفاظ شرعی مطرح است ، شاید این شبهه به وجود بیاید که « نفقه » به عنوان موضوع مکتوب ما نیز اقتضای چنین بحثی را دارد لکن با دقت بیشتر ، این التفات برای ما حاصل می‌شود که بحث حقیقت شرعیه و یا متشرعیه تنها درمورد الفاظ عبادات مطرح می‌شود و محل نزاع در این بحث ، غیر عبادات مانند بحث ما را شامل نمی‌شود. به کلام برخی از علماء در مبحث حقیقت شرعیه توجه کنید :

« الحقيقة الشرعية عبارة عن صيرورة ألفاظ العبادات حقائق في المعاني المخصوصة بوضع الشارع تعييناً أو تعيّنا. » ( إرشاد العقول الى مباحث الأصول، ج‏1، ص: 123 )

« لا شكّ في كون ألفاظ العبادات كالصلاة و الصيام و الزكاة و نحوها حقيقة في زماننا في معانيها الشرعيّة، إنّما الشكّ فيها في زمان الشارع، ففيها ثلاثة احتمالات‏ ... » ( أصول الفقه، ج‏1، ص: 41 )

در متون بالا ، واضح است که آیت الله سبحانی و آیت الله اراکی ، با آوردن کلمه « عبادات » در بیانات خود ، معاملات را از محل نزاع خارج کرده‌اند.

اما نکته‌ای که خوب است به آن اشاره کرد این است که فقها گاهی عبارت « حقیقت شرعیه » را در مورد الفاظی استفاده می‌کنند که شارع در معنای آن‌ها دخالت نموده و سعه و ضیق آن را تغییر داده است. پرواضح است که طبق این اصطلاح فقها ، می‌توان « نفقه » را حقیقت شرعیه دانست.

## **« نفقه » در اصطلاح قانون مدنی**

از آنجایی که قوانین جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ، بر پایه و اساس احکام اسلامی بازنویسی شد، در قانون مدنی نیز به نفقه به عنوان یکی از مهم ترین احکام اجتماعی اسلام اشاره شده است.

ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی بیان می‌دارد همین که نکاح به‌طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود دو شرط زیر برای وجوب نفقه ضروری است:

۱- دایمی بودن عقد که قانون مدنی در ماده ۱۱۰۶ تصریح دارد: در عقد دایم نفقه زوجه به عهده شوهر است.

۲- تمکین کامل همسر

## **اسباب « نفقه »**

از مسائلی که شارع ، نسبت به آن در مفهوم « نفقه » دخالت کرده است ، جعل اسباب وجوب برای نفقه است. اسباب نفقه از مسائلی است که نوع فقهاء در باب نفقه با این مسئله آغاز می‌کنند.

امام خمینی - رحمت الله علیه - در ابتدای باب « نفقه » بلافاصله پس از تیتر اصلی می‌آورد : « فصل في النفقات . إنما تجب النفقة بأحد أسباب ثلاثة: الزوجية و القرابة و الملك. » ) تحرير الوسيلة ؛ ج‌ 2، ص : 313 (

شهید اول رحمت الله علیه نیز مانند دیگر فقها ، طبق همین سیره می‌نویسد : « في النفقة و أسبابها ثلاثة : الزوجيّة و القرابة و الملك. » ( غاية المراد في شرح نكت الإرشاد ؛ ج‌3، ص : 205 )

طبق بیانات بالا مشخص شد که اسباب نفقه در فقه شیعه سه مورد می‌باشد :

1. زوجیت
2. قرابت
3. مالکیت

پرواضح است که مراد از اسباب در این موارد مقدمات وجوب می‌باشد که حصولی می‌باشند و نه تحصیلی.

## **جمع بندی**

با توجه به مواردی که در فصل اول ( کلیات ) اشاره شد ، دانستیم نفقه به هر چیزی می‌گویند که خارج می‌شود. به « نفقه » در محل بحث به این جهت نفقه می‌گویند که در واقع موارد آن شامل چیزهایی می‌شود که از مال نفقه دهنده خارج می‌شوند. از طرفی دانستیم که نفقه ، پدیده‌‌ای نبوده که پس از پیدایش آیین اسلام ، به وجود آمده باشد بلکه در سیره عقلا و برای حفظ زندگی اجتماعی همواره به نفقه و نفقه دادن اهتمام ورزیده می‎شده است. لذا این مفهوم حقیقت شرعیه به معنای دخالت شارع در مفهوم نیست ، بلکه با همان مفهوم حقیقت لغویه خود شناخته می‌شود ؛ اگرچه که شارع در برخی از افراد آن توسیع و تضییق به وجود آورده و احکامی را ایجاد کرده است. این موضوع به عنوان یکی از موضوعات مهم اجتماعی اسلام ، در قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران و بلکه در قوانین سایر کشورها هم آمده است. آیین مبین اسلام ، موجبات و اسباب وجوب نفقه را منحصر در سه مورد زوجیت ، قرابت و مالکیت می‌داند که در فصول آتی به یاری خداوند متعال به تک تک آن‌ها خواهیم پرداخت.

# **« نفقه » همسر**

همانگونه که در فصل اول مشخص شد ، یکی از اسباب و موجبات « نفقه » بر عهده مکلف ، زوجیت است.

شهید مطهری رضوان الله علیه در بیانی می‌فرماید : « طبق قانون طبيعيت، مرد مظهر نياز و زن مظهر ناز و بى‌نيازى است و بايد براى رسيدن به اين نياز، هزينه‌اى متحمل شد. براى توليدنسل، سنگينى و بيمارى مخصوص دورۀ باردارى، سختى زايمان و عوارض آن، شيردادن و پرستارى از كودك و ... از لحاظ طبيعت بر عهده زن گذاشته شده و براى مرد به جز يك عمل لذت بخش آنى، چيزى نيست. همه اينها از نيروى بدنى زن مى كاهد علاوه بر اينكه زن از نظر جسمى مشابه‌ و مساوى مرد آفريده نشده و توان رقابت با او را ندارد. اضافه بر اين، تجمل و زينت جزء زندگى زن و از احتياجات اصلى اوست، لذا ميل به تفنن و تنوع و استهلاك ثروت در زن به مراتب از مرد افزونتر است در حالى كه قدرت تحصيل ثروتش، كمتر از مرد است و باقى ماندن جمال و نشاط و غرور و زن بودن او مستلزم آسايش بيشتر و تلاش كمتر و فراغ خاطر زيادتر است. لذا در وصيت حضرت امير (ع) به امام حسن (ع) آمده كه: «فذلك أنعم لحالها و أدوم لجمالها». در نتيجه مصلحت زن و مرد و مصلحت كانون خانوادگى در اين است كه زن از تلاش‌هاى اجبارى خردكنندۀ معاش، معاف باشد تا مرد هم نياز روحى خود را در او بيابد. لذا مرد حاضر است با سختى پول درآورد و دو دستى تقديم زن خود كند تا او با گشاده دستى خرج خود كند: «وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِيَسْكُنَ إِلَيْها»[[1]](#footnote-1) . زن از جنبه مادى و مرد از جنبه روحى نيازمند يكديگرند، لذا اسلام همسر قانونى زن را نقطۀ اتكاى او معين كرده است. ( نظام حقوق زن در اسلام؛ صفحه : 208 )

استاد شهید مرتضی مطهری در یکی از یادداشت های خود می‌آورد : « پس فلسفه وجوب انفاق براى حفظ كرامت زن است. فلسفه ديگر نفقه از نظر سازمان اجتماع منزلى و وظايف و حقوق اجتماع منزلى مقرر مى‌شود. قرآن كريم حكومت فرد در داخل خانواده را به دو چيز معلّل مى‌كند، يكى صلاحيت و فضيلت متبادل زن و مرد و ديگرى انفاق: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ»[[2]](#footnote-2) . يعنى يكى از دو حق، يا رياست يا واجب النفقه بودن، يا مرد رئيس باشد و زن واجب النفقه و يا برعكس. طبق ظاهر آيه قرآن، نفقه ملاك مستقل دارد و رياست تا اندازه‌اى تابع آن است. » ( یادداشت‌های استاد مطهری ؛ جلد 5 ، صفحه : 47 )

البته شیخ صدوق یکی از علت‌های دو برابر بودن ارث مرد نسبه به همسر را همین نفقه دهنده بودن مرد و نفقه گیرنده بودن زن می‌داند و روایتی به این شرح نقل می‌کند : « حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ النَّهِيكِيُّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ أَنَّ ابْنَ أَبِي الْعَوْجَاءِ قَالَ لِلْأَحْوَلِ مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الضَّعِيفَةِ لَهَا سَهْمٌ وَاحِدٌ وَ لِلرَّجُلِ الْقَوِيِّ الْمُوسِرِ سَهْمَانِ قَالَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ لَهَا عَاقِلَةٌ وَ لَا نَفَقَةٌ وَ لَا جِهَادٌ وَ عَدَّ أَشْيَاءَ‌ » ( علل الشرائع؛ ج‌2، ص: 570 )

در ادامه سعی می‌کنیم به برخی از ادله وجوب نفقه همسر بپردازیم و با بیان نظرات مشهور فقهاء درمورد برخی مسائل و موضوعات مربوط به نفقه همسر ، بحث را ادامه می‌دهیم.

## **ادله وجوب « نفقه » همسر بر شوهر**

‌شاید بتوان وجوب نفقه همسر بر شوهر را از ضروریات دین اسلام دانست. بر این مسئله می‌توان دلایل مختلفی اقامه نمود. در حالی که شاید بتوان با توجه به مباحث حسن و قبح و ملازمه وجوب نفقه با حفظ نظام و ... به صورت عقلی نیز دلیلی بر وجوب نفقه اقامه کرد ، در ادامه به بیان دلایل قطعی نقلی از قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام اکتفاء می‌کنیم.

### **ادلّه قرآنی**

در قرآن کریم ، با آیاتی مواجه هستیم ظاهر و یا حتی نص در وجوب نفقه همسر بر شوهر می‌باشد.

خداوند کریم در سوره مبارکه‌ نساء ، آیه 34 ، می‌فرماید :

الرِّجٰالُ قَوّٰامُونَ عَلَى النِّسٰاءِ بِمٰا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ، وَ بِمٰا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوٰالِهِمْ

همچنین در سوره مبارکه بقره ، آیه 233 ، می‌فرماید :

وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

در آیه اول که از سوره مبارکه نساء می‌باشد ، خداوند متعال به صورت خبری از انفاق دادن مردان بر زنان خبر می‌دهد که حتی به بیانی از امر به انفاق کردن هم ظهور بیشتر در وجوب دارد. این اتفاق یعنی خبر دادن از نفقه دادن مردان بر زنان در آیه دوم نیز اتفاق افتاده است که بر وجوب نفقه همسر بر مرد دلالت روشنی دارد.

### **ادله روایی**

روایات بسیاری نیز بر وجوب نفقه دادن به همسر توسط مرد دلالت واضحی دارند که در ادامه به برخی‌ اشاره می‌گردد.

در روایتی به همراه سند آمده است : « صحيح الفضيل و ربعي عن أبي عبد اللّه عليه السّلام في قوله تعالى : و من قدر عليه رزقه فلينفق مما أتاه اللّه ، قال عليه السّلام: إن أنفق عليها ما يقيم ظهرها مع كسوة و إلا فرّق بينهما »[[3]](#footnote-3)

همچنین در روایتی دیگر با اشاره به موارد نفقه به همراه سند آمده است : « عن حق المرأة على زوجها، قال عليه السّلام: يشبع بطنها و يكسو جثتها و إن جهلت غفر لها »[[4]](#footnote-4)

از روایات دیگری که می‌توان در اثبات وجوب نفقه دادن مرد به همسر به آن استناد کرد خبر العزرمی ست.

« خبر العرزمي عن أبي عبد اللّه عليه السّلام : جاءت امرأة إلى النبي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فسألته عن حق الزوج على المرأة فخبّرها، ثم قالت: فما حقها عليه؟ قال : يكسوها من العري و يطعمها من الجوع، و إذا أذنبت غفر لها، قالت : ليس لها عليه شي‌ء غير هذا، قال : لا »[[5]](#footnote-5)

همانگونه از که از روایت اول که تفسیر آیه قران کریم می‌باشد و همچنین دو روایت بعدی که در آن‌ها از نفقه ، به عنوان حق همسر یاد شده است ، وجوب نفقه اثبات می‌گردد.

## **ماهیت « نفقه » همسر**

همانگونه که در کلام شهید استاد مطهری اشاره شد و از روایات نیز فهمیده می‌شود ، « نفقه » یکی از اساسی ترین حقوق همسر می‌باشد که باید شوهر نسبت به او رعایت کند. این حق به تمامی مایحتاجی که همسر به صورت متعارف برای گذران زندگی خود نیاز دارد تعلق می‌گیرد و شوهر موظف است در اعطای آن ، اهمال نکند.

**مصادیق و متعلقات « نفقه » همسر**

با بررسی روایات و آیات وارده در باب نفقه به سه مورد پی می‌بریم که در روایات به آن‌ها تصریح شده است. دو مورد اول طعام و لباس است که در هر دو در آیه 233 سوره مبارکه بقره و روایت عرزمی – که در مباحث قبلی ذکر شد - وارد شده بود.

همچنین در مورد وجوب اعطای مسکن توسط مرد به همسر نیز به صورت خاص روایتی وارد شده است.

در روایتی صحیح می‌خوانیم : « صحيح سعد بن أبي خلف عن أبي الحسن موسى عليه السّلام في المطلقة الرجعية : و لها النفقة و السكنى حتى تنقضي عدتها »[[6]](#footnote-6)

اما با مطالعه آثار فقهای شیعه نیک می‌یابیم اگرچه در روایات فقط این سه مورد به روشنی بیان شده اند و به دیگر مصادیق اشاره نشده است لکن فقها فقط به این موارد اکتفاء نکرده‌اند و استظهار آن‎ها به این گونه بوده است که روایات در مقام حصر نمی‌باشند. شاهدی که فقها بر این ادعای خود ذکر می‌کنند این نکته است که اگر روایات در مقام حصر بودند ، باید هر سه مورد در همه روایات ذکر می‌شدند و همین که میبنیم در هر روایت به تعدادی از آن‌ها اشاره شده است ، شاهدی بر این مدعاست.

طبق بیان فقها ظاهرا موضوع و مصداق واقعی نفقه ، مایحتاج عرفی همسر است. این ما یحتاج می‌تواند شامل غذا ، لباس ، مسکن ، خدمه ، وسایل نظافت ، وسایل آرایش و ... باشد.

علامه حلی رحمت الله علیه در شرایع می‌نویسد : « فضابطه القيام بما تحتاج إليه المرأة من طعام و إدام و كسوة و إسكان و إخدام و آلة الادهان تبعا لعادة أمثالها من أهل البلد. »

امام خمینی رحمت الله علیه نیز با اشاره به این نکته به جزئیات برخی از مصادیق اشاره می‌کند : « نفقه شرعا اندازه‌اى ندارد‌. بلكه قاعده اين است كه به آنچه زن احتياج به آن دارد از قبيل غذا و خورش و پوشش و فرش و پرده و سكونت دادن و خادم داشتن و وسائلى كه بر آشاميدن و پختن و نظافتش و غير اينها به آنها نياز دارد قيام نمايد. و امّا غذا كميت آن مقدارى است كه براى سير نمودن او كافى باشد و در جنس آن رجوع مى‌شود به آنچه كه براى امثال او در شهرش متعارف است و مناسب مزاج او است و آنچه كه عادت به آن كرده به طورى كه به ترك آن متضرر مى‌شود. و اما خورش از نظر مقدار و جنس مانند طعام آنچه كه براى امثال آنها در شهرش متعارف است و مناسب مزاجش مى‌باشد و آنچه كه عادتش است رعايتش لازم است حتى اگر عادت امثال او و مناسب مزاج آنها مثلا دوام‌. گوشت باشد واجب مى‌شود. و همچنين به چيز خاص از خورش عادت داشته باشد كه به ترك آن متضرر مى‌شود بلكه ظاهر آن است كه رعايت آنچه كه براى امثال او به طور عادى متعارف است از غير طعام و خورش مانند چاى و تنباكو و قهوه و مانند اينها لازم است. و از اين بهتر اين است كه مقدار لازمى از ميوه‌هاى تابستانى كه خوردن آنها در هواى گرم مانند چيز لازم جزو نفقه است. بلكه و همچنين است آنچه كه از ميوه‌هاى مختلف در فصل‌ها براى مثل او متعارف است. و همچنين است حال در پوشيدن پس در مقدار و جنس آن، عادت امثال او و شهر سكونت او و فصولى كه در زمستان و تابستان احتياج به آنها دارد ملاحظه مى‌شود؛ زيرا شديدا در كم و كيف و جنس نسبت به اين مسائل اختلاف هست، بلكه اگر از صاحبان تجمل باشد واجب است كه علاوه بر لباس بدن لباسى به حسب حال امثال او، برايش تهيه شود. و همچنين فرش و روى انداز، پس آنچه را كه بر زمين فرش مى‌كند و آنچه كه براى خواب از لحاف و بالش و آنچه كه روى آن مى‌خوابد، احتياج دارد، بايد برايش تهيّه شود و در مقدار و جنس و وصف آن به آنچه كه در غير آن ذكر شد، رجوع مى‌شود و در اسكان او استحقاق دارد كه او را در خانه‌اى كه به حسب عادت، لايق امثال او است سكونت دهد. و بايد خانه مرافقى كه احتياج به آنها دارد داشته باشد. و زن مى‌تواند از شوهر بخواهد كه او را در مسكن از مشاركت غير شوهر تنها قرار دهد- هوو باشد يا غير آن- از خانه يا حجره كه مرافق آن تنها مال او شود. يا به عاريه يا اجاره يا به ملك باشد. و اگر از اهل باديه باشد كوخ يا خانه موئى تنها كه مناسب حال او است، كفايت مى‌كند. و امّا خادم گرفتن وقتى واجب است كه صاحب جلال و شأن و از صاحبان خدمتگزار باشد وگرنه بايد خودش خود را خدمت كند. و اگر خدمت واجب باشد چنانچه از صاحبان حشمت و جلال باشد به طورى كه براى امثال او خادم داشتن متعارف است، بايد براى او خادمى اختصاص داد. و اگر جلال و شأن او طورى باشد كه چند خدمتگزار داشته باشد. بعيد نيست كه واجب باشد. و بهتر آن است كه در تمام اين موارد ذكر شده به عرف و عادت موكول شود. و همچنين است در وسائل و ادواتى كه احتياج به آنها دارد، پس در آنها آنچه كه براى امثال او بحسب نيازهاى شهرى كه در آن سكونت دارد، متعارف است، بايد ملاحظه شود. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 561 )

## **شرایط وجوب نفقه همسر**

طبق نظرنوع فقهای مذهب تشیع ، دو شرط کلی برای وجوب نفقه همسر وجود دارد :

1. دوام عقد
2. تمکین همسر

در ادامه با بررسی ادله‌ی این دو شرط ، با جزئیات بیشتری از آن‌ها آشنا خواهیم شد.

### **شرط اول ، دوام ازدواج**

شرط اولی که با مطالعه آثار فقهی فهمیده می‌شود وام عقد نکاح است. این شرط در واقع خارج کننده نوع دیگری از عقد یعنی متعه است. زیرا به صورت کلی می‌دانیم نفقه دادن بر همسر واجب است. از طرفی ادله‌ای وجود دارد که عقد متعه را این موضوع خارج می‌کند. پس عقد دائم در موضوع باقی می‌ماند.

از جمله روایاتی که به خروج متعه از موضوع نفقه دلالت می‌کند ، می‌توان به خبر هشام در حدیث مفصلی که در مورد نفقه روایت کرده است ، اشاره کرد.

در آن حدیث امام صادق علیه السلام می‌فرماید : « و لا نفقة و لا عدة عليك »[[7]](#footnote-7)

همچنین صاحب جواهر در این‌باره ادعای اجماع نموده و می‌نویسد : « لا نفقة لذات العقد المنقطع إجماعا بقسميه. » ( جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج‌31، ص: 303 )

لذا دوام عقد نکاح از شروط وجوب نفقه است. لازم به ذکر است که در این مسئله هیچ‌گونه اختلافی بین فقها وجود ندارد.

### **شرط دوم ، تمکین همسر**

شرط دومی که همه فقهاء بالاتفاق درمورد وجوب نفقه ذکر می‌کنند ، تمکین همسر است. اگر چه در برخی از مسائل جزئی تر آن اختلاف نظر وجود دارد.

مشهور در مورد تمکین تام همسر می‌آورند : « و هو التخلية بينها و بينه بحيث لا تخص موضعا و لا وقتا. » ( شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام؛ ج‌2، ص: 291 )

علامه حلی نیز در کتاب ارزشمند خود یعنی ارشاد الاذهان ، این شرط را به این بیان ، آورده است : « لو امتنعت زماناً من غير عذر أو مكاناً سقطت » ( إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان؛ ج‌2، ص: 36 )

درمورد دلایل شرطیت تمکین همسر به روایاتی استناد می‌شود که در اینجا به دو مورد اکتفاء می‌کنیم.

اولا از رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در خطبة الوداع می‎فرمایند : « إن لنسائكم عليكم حقا و لكن عليهن حقا، حقكم عليهن أن لا يوطين فراشكم و لا يدخلن بيوتكم أحدا تكرهونه إلا بإذنكم، و أن لا يأتين بفاحشة، فإن فعلن فإن اللّه قد أذن لكم أن تعضلوهنّ و تهجروهن في المضاجع و تضربوهنّ ضربا غير مبرح، فإذا انتهين و أطعنكم فعليكم رزقهن و كسوتهن بالمعروف. »[[8]](#footnote-8)

همچنین در روایتی دیگر که از سکونی نقل شده است آمده : « عن أبي عبد اللّه عليه السّلام : قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و سلّم : أيّما امرأة خرجت من بيتها بغير إذن زوجها فلا نفقة لها حتى ترجع. »[[9]](#footnote-9)

همانگونه که از روایات مشخص شد ، آنچه ساقط کننده نفقه است ، عدم تمکین کامل است.

این تمکین کامل در مقابل اصطلاحی دیگر در فقه با عنوان « نشوز » قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر اگر همسر ناشذه شود ، از گرفتن نفقه محروم می‌شود. برای شناسایی بهتر شرط دوم ، به بررسی کوتاه مفهوم نشوذ می‌پردازیم.

##### نشوز در لغت

در مقاییس اللغه آمده است : « نشز : النون و الشين و الزاء أصلٌ صحيح يدلُّ على ارتفاعٍ و عُلوّ. و النّشَز: المكان العالي المرتفِع. و النّشْز و النُّشُوز: الارتفاع، ثم‌ استعير فقيل نَشَزَت المرأةُ: استَصعَبتْ على بَعلِها. » ( معجم مقائيس اللغة ؛ ج‌5 ، ص : 430 )

طبق متن فوق ، احمد بن فارس ، استعمال نشوذ در معنای عدم تمکین همسر را به نوعی استعاره می‌داند.

به همین مقدار بیان درمورد معنای لغوی نشوز بسنده کرده و وارد معنای اصطلاحی آن می‌شویم.

##### نشوز در اصطلاح

در تحریر الوسیله ، امام خمینی - رحمت الله علیه - می‌آورد : « نشوز در زوجه، خروج او از اطاعت شوهر است كه بر همسر واجب مى‌شود، از اينكه خود را تمكين نكند و چيزهايى را كه تنفرآور است و ضديّت با تمتع و لذت بردن از او دارد از خود برطرف نكند بلكه ترك نظافت و آرايش خود با اينكه شوهر آنها را مى‌خواهد از اين قبيل است. و همچنين است خروج او از خانۀ او بدون اذنش و غير اينها. و در جايى كه اطاعت از او واجب نيست ترك آن موجب تحقق نشوز نمى‌باشد؛ پس اگر همسر از خدمات خانه و حوائج مرد كه به تمتع بردن او ارتباط ندارد خوددارى نمايد نشوز تحقق پيدا نمى‌كند از قبيل جارو كردن يا خياطى يا غذا پختن يا غير اينها، حتى آب دادن و پهن كردن رختخواب. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه، ج‌3، ص: 543 )

با بیان اصطلاح « نشوز » واضح شد که چه افعالی هستند که موجب ناشزه شدن همسر و به تبع آن سقوط نفقه می‌شود.

البته برخی مانند امام رحمت الله دو شرط دیگر را در شرایط وجوب نفقه ذکر کرده اند. البته این به این معنا نیست که دیگران این دو شرط را قبول ندارند بلکه برخی یکی از شروط جدید که بیان آن خواهد آمد را به شروط قبلی الحاق می‌کند و شرط دیگر را نیز در جای دیگر غیر از بحث نفقه بحث می‌کنند.

این دو شرط عدم ارتداد همسر و قابلیت کامجویی از او می‌باشد.

در تحریر آمده است : « لو ارتدت سقطت النفقة، و إن عادت في العدة عادت‌. الظاهر أنه لا نفقة للزوجة الصغيرة غير القابلة للاستمتاع منها على زوجها‌. » ( تحرير الوسيلة؛ ج‌2، ص: 314 )

مشهور فقهاء بر این عقیده هستند که درمورد مقدار نفقه همسر دلیل خاصی نداریم و اطلاق ادله اقتضاء می‌کند که مکلف و منفق ، به اندازه رفع حاجت همسرش انفاق کند.

البته علامه حلی از شیخ ؟ قولی را مطرح می‌کند که خلاف مشهور است : « قال الشيخ؟ في : نفقة الزوجات معتبرة بحال الزوج لا بحالها، فإن كان موسرا، فعليه مدّان في كلّ يوم، و إن كان متوسّطا متجمّلا، فمدّ و نصف، و إن كان معسرا فقدر المدّ، فالنفقات ثلاثة: نفقة الموسر و المتوسّط و المعسر.» ( مختلف الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج‌7، ص: 319 )

## **چگونگی پرداخت نفقه به همسر**

همانگونه که در ابتدای بحث اشاره شد ، بحث نفقه در سیره عقلاء همواره وجود داشته است و شارع مقدس که خداوند متعال می باشد ، تنها در برخی از موضوعات و احکام آن دخالت فرموده است.

یکی از فروعی که پیرامون نفقه مطرح می‌شود و ظاهرا شارع مقدس نیز در آن دخالت نکرده است ، کیفیت پرداخت نفقه به همسر است.

امام خمینی – رحمه الله علیه - در بیان چگونگی پرداخت نفقه به همسر دو روش را ذکر می‌کنند که البته همانطور که ذکر شد ، این روش نه تاسیسی بلکه امضائی می‌باشد.

امام خمینی - رحمه الله علیه - در مسئله 12 می‌نویسد : « كيفية الإنفاق بالطعام و الإدام إما بمؤاكلتها مع الزوج في بيته على العادة كسائر عياله، و إما بتسليم النفقة لها، و ليس له إلزامها‌ بالنحو الأول، فلها أن تمتنع من المؤاكلة معه و تطالبه بكون نفقتها بيدها تفعل بها ما تشاء، إلا أنه إذا أكلت و شربت معه على العادة سقط ما عليه و ليس لها أن تطالبه بعده. » ( تحرير الوسيلة؛ ج‌2، ص: 317 )

امام رحمه الله علیه در متن فوق به صورت خلاصه دو روش زیر را بیان می‌کنند :

1. همسر مانند سایر اعضای خانواده و طبق معمول با شوهرش در خانه هم خوراک شود.
2. شوهر نفقه همسر را بپردازد.

حال که با برخی از احکام نفقه همسر آشنا شدیم ، به بررسی دیگر قسم نفقه یعنی نفقه اقارب و خویشاوندان خواهیم پرداخت تا پس از آن با بررسی نفقه مملوک ، به مقایسه آن‌ها بپردازیم.

## **جمع‌بندی**

با بررسی و تدقیق در نفقه همسر در فقه شیعه ، می‌یابیم که یکی از اصلی ترین حکمت‌های جعل این حکم شرعی در آیین اسلام ، حفظ کرامت بانوان بوده است. لذا خداوند برای این منظور بر هم مردی واجب کرده است که مایحتاج زندگی همسر خود را مطابق با شأن او تأمین کند. این حکم دارای مقدمات وجوب می‌باشد. مهم ترین این مقدمات عقد دائم و تمکین تام همسر می‌باشد. پرداخت نفقه در صورت تمکین کامل همسر تا انتهای عده رجعیه ادامه پیدا می‌کند زیرا زوجیت در عده رجعیه متزلزل است و کاملا از بین نرفته است.

# **نفقه خویشان**

طبق دیدگاه صحیحی که در مورد نگرش و برخورد دین اسلام وجود دارد ، این آیین ، کاملا اجتماعی است و از احکام جزئی شخصی پا را فراتر نهاده و برای زندگی هر چه بهتر در این دنیا ، قوانینی را وضع نموده است.

یکی از نهادهایی که مورد تاکید بسیار دین مبین اسلام قرار گرفته است ، اولین جامعه در زندگی هر انسان یعنی خانواده است. در دین اسلام ، هر یک از اعضای جامعه نسبت به یکدیگر مسئولیت‌های فراوانی دارند و همین برنامه در خانواده نیز جاری است. از جامعیت اسلام اقتضاء می‌کند همانگونه که مکلف را نسبت به مسائل اخلاقی و معنوی ِ صرف ، موظف و مسئول قرار دهد ، در مسائل دنیوی و مادی و به نوعی مالی نیز مسئولیت‌هایی داشته باشد.

یکی از مسئولیت ها و وظایف اجتماعی مادی مکلف در دین اسلام نفقه به خویشاوندان است که در ادامه بیشتر با آن آشنا خواهیم شد.

## **موارد وجوب نفقه**

ظاهر از کلام مشهور فقهای شیعه این است که نفقه واجب در نزدیکان به دو دسته تعلق می‌گیرد :

1. مکلف باید به پدر و مادر خود ، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود و اجدادش نفقه بدهد.
2. مکلف باید به فرزندان خود ، نوه‌های خود ، نتیجه‌های خود ‌نبیره‌هایش و ... نفقه بدهد.

البته برخی از فقهاء موارد دیگری را اضافه و یا کم کرده‌اند که در مباحث بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

### **ادله وجوب**

در رابطه با وجوب نفقه اولاد و ابوین بر یکدیگر هیچ گونه اختلافی نیست. علت این عدم اختلاف نیز وجود روایت صریح است.

ذیلا به تعدادی از این روایات اشاره می‌کنیم :

« صحيح حريز عن أبي عبد اللّه عليه السّلام قلت له: من الذي أجبر على نفقته و تلزمني نفقته؟ قال: الوالدان و الولد و الزوجة »[[10]](#footnote-10)

« صحيح جميل بن دراج قال: لا يجبر الرجل إلا على نفقة الأبوين و الولد، قال ابن أبي عمير: قلت لجميل: المرأة، قال: روى عنبسة عن أبي عبد اللّه عليه السّلام قال: إذا كساها ما يواري عورتها و يطعمها ما يقيم صلبها أقامت معه و إلا طلّقها، قلت: فهل يجبر على نفقة الأخت؟ فقال: لو أجبر على نفقة الأخت كان ذلك خلاف الرواية. »[[11]](#footnote-11)

« خبر محمد بن مسلم عن أبي عبد اللّه عليه السّلام قلت له: من يلزم الرجل من قرابته ممن ينفق عليه؟ قال عليه السّلام: الوالدان و الولد و الزوجة »[[12]](#footnote-12)

روایات بالا جای هیچ‌گونه اختلافی را درمورد وجوب نفقه فرزندان بر پدر و بالعکس باقی نمی‌گذارند اما در مورد پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و نوه ها و نتیجه ها و ... اختلاف شده است زیرا به اجداد و نوه‌ها در روایات تصریح نشده است.

مشهور آن‌ها را در قضیه نفقه دادن و گرفتن دخیل می‌دانند. و برای این ادعای خود دو دلیل و یا به نوعی شاهد ذکر می‌کنند.

اولا مشهور بر این اعتقادند که الفاظ « والدین » و « اولاد » به ترتیب بر پدربزرگ و مادربزرگ و ... و نوه‌ها و ... صدق می‌کند.

ثانیا شاهدی از باب زکات می‌آورند که در نوع خود جالب است.

در روایتی از باب زکات آمده است که : « يعطى منها الأخ و الأخت و العم و العمة و الخال و الخالة، و لا يعطى الجد و الجدة »[[13]](#footnote-13)

در روایتی دیگر آمده است : « خمسة لا يعطون من الزكاة شيئا: الأب و الأم و الولد و المملوك و الزوجة، و ذلك أنهم عياله لازمون له »[[14]](#footnote-14)

این دو روایت برای اینکه با یکدیگر تنافی ای نداشته باشند ، برای جمع بین آن دو گفته می‌شود که « ألأب » و « ألأم» شامل جد و جدة نیز می‌شود.

## **موارد استحباب نفقه**

مشهور فقهاء نفقه دادن به نزدیکان مخصوصا آن‌هایی که ارث بَر هستند البته غیر از موارد وجوبی را مستحب می‌دانند. این موارد می‌تواند شامل خواهرها و برادرها و ...

در ادامه با دلیل استحباب نفقه دادن با این افراد مشخص خواهد شد.

### **ادله استحباب**

برخی از فقهاء قائل به وجوب نفقه بر ورثه شده‌اند و به ادلّه‌ای که در ذیل می‌آید استناد نموده‌اند :

« صحيح الحلبي المتقدم قلت: من الذي أجبر في نفقته؟ قال عليه السّلام: الوالدان و الولد و الزوجة و الوارث الصغير »[[15]](#footnote-15)

« خبر غياث بن إبراهيم عن أبي عبد اللّه عليه السّلام أتي أمير المؤمنين عليه السّلام بيتيم، فقال: خذوا بنفقته أقرب الناس منه من العشيرة كما يأكل ميراثه »[[16]](#footnote-16)

لکن مشهور فقهاء این روایات را حمل به وجوب نفقه نکرده‌اند بلکه در جمع بین این دسته روایات و روایاتی که در ادله وجوب ذکر شد ، این روایات را حمل بر استحباب کرده‌اند.

در شرایع این نکته به این صورت مورد اشاره قرار گرفته است : « لا تجب النفقة على غير العمودين من الأقارب كالإخوة و الأعمام و الأخوال و غيرهم لكن تستحب و تتأكد في الوارث منهم. » ( شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام؛ ج‌2، ص: 296 )

## **شرایط وجوب نفقه دادن به نزدیکان**

نفقه به صورت مطلق به عهده مکلف ، ثابت نمی‌شود. بلکه نفقه دهنده و نفقه گیرنده هر کدام باید شرطی داشته باشند که این شروط از ادله وجوب نفقه استظهار شده اند. در ادامه به بررسی این شرط می‌پردازیم.

### **استطاعت نفقه دهنده**

شرط نفقه دهنده این است که مکلف پس از تأمین مخارج خود و همسر دائمی‏اش، توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

امام خمینی به این شرط اینگونه اشاره کرده‌است : « يشترط في وجوب النفقة على القريب قدرة المنفق على نفقته بعد نفقة نفسه و نفقة زوجته‌ لو كانت له زوجة دائمة، فلو حصل عنده قدر كفاية نفسه خاصة اقتصر على نفسه، و لو فضل منه شي‌ء و كانت له زوجة فلزوجته، و لو فضل شي‌ء فللأبوين و الأولاد‌ » ( تحرير الوسيلة؛ ج‌2، ص: 320 )

### **فقر نفقه گیرنده**

اما شرط نفقه گیرندگان این است که بالفعل فقیر باشند؛ به این معنا که در حال حاضر روزی خود را نداشته باشند. بنابراین، نفقه دادن به کسی که در حال حاضر توانایی تأمین مخارج خود را دارد واجب نیست، اگر چه فقیری باشد که روزیِ سالش را نداشته باشد و گرفتن زکات و مانند آن برایش جایز باشد.

امام خمینی برای توضیح این شرط می‌فرمایند : « در وجوب انفاق بر قريب، فقر و احتياج او شرط است‌. به اين معنى كه بالفعل روزيش را نداشته باشد، پس بر كسى كه بر نفقه‌اش بالفعل قدرت داشته باشد انفاق واجب نيست اگر چه فقيرى باشد كه روزى سالش را نداشته باشد و گرفتن زكات و مانند آن برايش جايز باشد. و اما كسى كه نفقه‌اش را بالفعل نداشته باشد ولى بر تحصيل آن قدرت داشته باشد پس اگر به غير كسب باشد مانند قرض گرفتن و طلب بخشش و سؤال، بدون اشكال مانع وجوب انفاق بر او نمى‌باشد. و اگر قدرت بر تحصيل به كسب باشد پس اگر به داشتن قدرت بر ياد گرفتن صنعتى كه امرار معاشش به آن است باشد و آموزش آن را ترك نموده است و بدون نفقه مانده است پس در وجوب انفاق بر او، اشكالى نيست. و همچنين است حال اگر برايش كسب كردن به آنچه كه تحمّل آن بر او مشقت دارد، ممكن باشد مانند برداشتن چيزهاى سنگين، يا مناسب شأن او نباشد پس كسب كردن را به اين جهت ترك نمايد پس انفاق بر او واجب است و اگر بر كسبى كه مناسب شأنش است توانايى داشته باشد و براى راحتى آن را ترك كرده باشد ظاهر آن است كه انفاق بر او واجب نيست ولى اگر زمان كسب از او فوت شود به طورى كه فعلا به روزى يك روز يا چند روز احتياج داشته باشد و به تحصيل نفقه قادر نباشد، انفاق بر او واجب است اگر چه عجز او به اختيارش پيدا شده باشد. كما اينكه اگر آن شغل را ترك كرده باشد- نه براى طلب راحتى بلكه- براى آنكه به امر دنيوى يا دينى مهم مشغول شده است مانند طلب علم واجب، وجوب انفاق بر او ساقط نمى‌شود. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 571 )

## **مقدار نفقه نزدیکان**

ظاهر کلام فقهاء بر این است که مخارج نزدیکان، مقدار معیّنی ندارد، بلکه واجب است نفقه دهنده مخارج آنها را به مقدار کافی از خوراک، پوشاک و مسکن با ملاحظه حال، شأن، زمان و مکان، به گونه‏ای که در نفقه همسر گذشت، بپردازد.

امام خمینی – رحمت الله علیه - در تحریر می‌نویسند : « در نفقۀ نزديكان اندازه‌اى نيست بلكه واجب آن است كه به اندازۀ كفايت باشد‌. از طعام و خورش و پوشش و مسكن با ملاحظۀ حال و شأن و زمان و مكان، طبق آنچه كه در نفقۀ زوجه گذشت.» ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 573 )

## **جمع بندی**

با توجه به مطالبی که در این فصل مطرح شد ، دانستیم که دین مبین اسلام ، وظایفی مالی نسبت به اعضای خانواده از جمله پرداخت نفقه را برعهده مکلفین نهاده است. به این صورت که مکلف در صورتی که استطاعت مالی داشته باشد ، باید مایحتاج زندگانی پدر و مادر و فرزندان خود را با تفصیلی که گذشت تامین کند. پرواضح است که پرداخت نفقه در نزدیکان با پرداخت نفقه همسر تفاوت ها و شباهت هایی دارد که در فصل آخر به آن پرداخته خواهد شد.

در ادامه با قسم دیگر اقسام نفقه گیرندگان یعنی نفقه مملوک آشنا خواهیم شد.

# **نفقه مملوک**

در مقدمه فصل قبل با اشاره به جامعیت دین اسلام ، لزوم مسئولیت پذیری درمورد اعضای خانواده تبیین شد. در این فصل پا را فراتر می‌گذاریم و اسلام را دینی کاملا مسئولیت محور معرفی خواهیم کرد. به صورتی که حتی نسبت به عباد و حیواناتی که در اختیار مکلف است هم مسئولیت‌هایی قرار داده است. در این بخش سعی می‌کنیم به صورت کوتاه و خلاصه به تدقیق در نفقه مملوک بپردازیم.

## **مراد از مملوک**

مراد فقهاء از مملوک ، مملوکاتی هستند که زنده هستند و برای زندگانی خود به چیزهایی مانند سرپناه و خوراک و لباس و ... نیازمندند. حسب استقراء این دسته از مملوکات تنها در عبد و حیوانات خلاصه می‌گردد. که کلام درمورد ادله و ... خواهد آمد.

## **ادله وجوب نفقه مملوک**

هیچ یک از فقهای شیعه در وجوب نفقه مملوک ، اختلافی ندارند اگر چه ممکن است در برخی از فرعیات جزئی آن اختلاف داشته باشند. برای اثبات وجوب نفقه مملوک به روایاتی استناد می‎شود که در ادامه با تعدادی از آن‌ها رو به رو خواهیم شد.

« صحيح ابن الحجاج عن أبي عبد اللّه عليه السّلام : خمسة لا يعطون من الزكاة شيئا: الأب و الأم و الولد و المرأة و المملوك، ذلك لأنهم عياله لازمون له »[[17]](#footnote-17)

« خبر أبي الصلت عنه عليه السّلام : خمسة لا يعطون من الزكاة: الولد و الوالدان و المرأة و المملوك، لأنه يجبر على النفقة عليهم »[[18]](#footnote-18)

اخبار فوق ظاهر در وجوب نفقه دادن به مملوک از طرف مکلف می‌باشد.

## **مقدار نفقه مملوک**

درمورد مقدار نفقه مملوک ، بسان دیگر اقسام نفقه ، باید گفته شود که اطلاق ادله اقتضاء می‌کند که قدر خاصی مشخص نشود و به اندازه‌ای که احتیاجات مملوک برطرف شود باید پرداخت شود.

## **فرع مهم**

در صورتی که شخصی حیوانات خود را رهن کسی قرار دهد ، در این صورت نفقه حیوانات با راهن است و نه مرتهن.

شهید اول رحمت الله علیه در دروس می‌فرماید : « نفقة الرهن على الراهن لا على المرتهن، فإن أنفق تبرّعا فلا رجوع، و إن كان بإذن الراهن، أو الحاكم عند تعذّره، أو أشهد عند تعذّر الحاكم رجع بها على الراهن. » ( الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج‌3، ص: 394 )

## **جمع بندی**

با توجه به مطالبی که در فصل اخیر بیان شد ، واضح شد که مملوکات که شامل عبد و حیوانات می‌شود نیز مانند انسان‌ها از حق نفقه برخورداند. مقدار نفقه آن‌ها حدی ندارد و مکلف باید به اندازه رفع احتیاجات متعارف آن‌ها نفقه پرداخت کند.

# **مقایسه اقسام نفقه**

در مباحث قبلی در مورد اقسام نفقه که طی سه فصل ارائه شد و در هر فصل به صورت جداگانه به شرایط و احکام نفقه همسر ، نزدیکان و مملوک پرداخته شد. در طول بیان مباحث به شباهت ها و تفاوت هایی بین اقسام پی بریدم و در این بخش تلاش می‌شود در مقام مقایسه، به تعدادی از اهم شباهت ها و تفاوت ها اشاره شود.

## **شباهت‌ها**

اولا از آن جا که حکم پرداخت نفقه در هر سه مورد ، وجوب است و وجوب از اقسام حکم تکلیفی است ، شخص باید مکلف باشد و شرایط عمومی تکلیف را داشته باشد. بنابراین اگر شخص مجنون شود و یا هر یک از شرایط را از دست دهد ، تکلیف پرداخت نفقه از اون ساقط می‌گردد.

ثانیا هر سه مورد از موارد وجوبی پرداخت نفقه و نه موارد استحبابی ، حق است و شخص نفقه گیرنده مستحق است و می‌تواند نسبت به گرفتن حق خود مطالبه کند. به نظر می‌رسد حکمت اصلی در هر سه مورد ، تسهل در زندگی اجتماعی باشد. علت اینکه نفقه را حق می‌دانیم ، خبرهایی است که به این مقوله اشاره کرده اند. برای نمونه در خبر عزرمی آمده است : « خبر العرزمي عن أبي عبد اللّه عليه السّلام : جاءت امرأة إلى النبي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فسألته عن حق الزوج على المرأة فخبّرها، ثم قالت: فما حقها عليه؟ قال : يكسوها من العري و يطعمها من الجوع، و إذا أذنبت غفر لها، قالت : ليس لها عليه شي‌ء غير هذا، قال : لا »[[19]](#footnote-19)

در این روایت و روایات دیگری مانند این ، نفقه حق دانسته شده است.

ثالثا در هر سه مورد از موارد وجوبی نفقه ، چیزی می‌تواند متعلق نفقه قرار بگیرد که متناسب شأن نفقه گیرنده و متعارف برای گذران زندگی باشد و در غیر این صورت نفقه گیرنده می‌تواند چیز دیگری را مطالبه کند.

مرحوم امام خمینی رحمت الله علیه در تحریرالوسیله می‌نویسد : « در نفقۀ نزديكان اندازه‌اى نيست بلكه واجب آن است كه به اندازۀ كفايت باشد‌. از طعام و خورش و پوشش و مسكن با ملاحظۀ حال و شأن و زمان و مكان، طبق آنچه كه در نفقۀ زوجه گذشت. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 573 )

رابعا در هر سه مورد از موارد وجوبی نفقه ، مقدار معینی در پرداخت وجود ندارد بلکه ملاک و مدار در پرداخت نفقه ، رفع نیازهای متعارف نفقه گیرنده برای گذران زندگی به صورتی که شأن او رعایت شود ، می‌باشد و در غیر این شخص می‌تواند از نفقه دهنده ، نفقه متناسب را مطالبه کند.

خامسا شیوه پرداخت نفقه در هر سه مورد از موارد وجوبی پرداخت نفقه به یک شکل است.

دو شیوه پرداخت نفقه در فصل مربوط به نفقه همسر گذشت. پرواضح است پرداخت نفقه حیوانات در برخی از صور نمی‌تواند مانند پرداخت نفقه انسان‌ها باشد.

## **تفاوت‌ها**

اولا در وجوب پرداخت نفقه به همسر ، فقر همسر شرط نیست. لذا همسر حتی اگر بی‌نیاز ترین همسر هم باشد ، نفقه حق اوست و بر مرد واجب است آن‌را بپردازد لکن فقر در وجوب نفقه به نزدیکان شرط است و اگر نزدیکان مانند پدر ، مادر و یا فرزندان ، فقیر نباشند ، هیچگونه تکلیفی نسبت به پرداخت نفقه بر عهده انسان مسلمان نمی‌باشد. ادله شرط بودن فقر در نفقه نزدیکان که در فصل سوم بحث شد اما درمورد شرط نبودن این ویژگی در وجوب نفقه دادن به همسر آمده است : « در استحقاق زن نفقه را، فقر و احتياجش شرط نمى‌باشد‌ ؛ پس زن بر شوهر حق نفقه دارد اگر چه بى‌نيازترين مردم باشد. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 569 )

ثانیا تمکین تام و کامل تنها در مورد زوجه مطرح است و در دیگر موارد وجوب نفقه چنین شرطی وجود ندارد. مثلا اگر فرزندی هیچ‌گاه پدر خود را اطاعت نکند ، همچنان بر پدر وی واجب است که با وجود شرایط مانند فقر و ... ، نفقه وی را پرداخت کند. دلیل شرط بودن تمکین کامل درمورد همسر در فصل دو گذشت لکن شرط نبودن این ویژگی در مورد وجوب نفقه دادن به خویشان از اطلاق ادله وجوب نفقه دادن به همسر برداشت می‌شود.

ثالثا ارتداد در وجوب پرداخت نفقه به همسر مانع است. به بیان دیگر اگر همسر مرتد شود ، دیگر مستحق نفقه نیست مگر اینکه در زمان عده توبه کند و دوباره اسلام آورد. این شرط و یا به نوعی مانع در وجوب پرداخت نفقه به انسان‌ها در دیگر موارد وجوبی وجود ندارد. اگر چه که اطلاق ادله این مبحث ، اقتضای شرط نبودن این ویژگی را در هر دو قسم دارد لکن در بحث نکاح و ارتداد و ادله‌ای که آنجا مطرح می‌شود می‌یابیم که با ارتداد زوجیت زائل می‌شود پس شرط وجوب نفقه نیز از بین می‌رود. این اتفاق در دیگر اقسام وجوب نفقه نمی‌افتد.

رابعا در پرداخت نفقه به همسر ، در صورت امتناع مرد مکلف از پرداخت ، مقدار نفقه به صورت دَین در ذمه مرد مکلف باقی می‌ماند \_ و علت این امر نیز حالت عوض داشتن نفقه در عقد نکاح است \_ لکن در مورد سایر موارد وجوبی نفقه ، در صورت امتناع ، اگرچه شخص فعل حرامی را مرتکب شده است لکن در ذمه او چیزی نمی‌ماند و مدیون نمی‌گردد. در تحریر در این باره آمده است : « نفقۀ نزديكان قضا نمى‌شود‌. و اگر در وقت و زمان آن فوت شود و لو اينكه به تقصير منفق باشد جبران نمى‌شود و در ذمّه او مستقر نمى‌شود به خلاف زوجه- كما اينكه گذشت- البته اگر به خاطر غيبت او بر او انفاق نكند يا با اينكه تمكن دارد، از انفاق او خوددارى كند، و شخص «منفق عليه» مرافعه را پيش حاكم ببرد و حاكم او را امر به قرض كردن بر او نمايد و او هم بر او طلب دين نمايد ذمۀ او مشغول به آن مى‌شود و بر او واجب است كه آن را قضا كند. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 573 )

خامسا وجوب پرداخت نفقه به نزدیکان توسط مکلف ، حالت ترتبی دارد و در حالتی است که مرد نفقه همسرش را داده باشد لکن درمورد پرداخت نفقه همسر ، این شرط وجود ندارد. مرحوم امام خمینی در این باره می‌فرماید : « اگر مالى نداشته باشد كه نفقه خود و زن و نزديكان واجب النفقه‌اش را وفا نمايد پس خود شوهر مقدم بر زنش مى‌باشد و زن بر نزديكانش مقدم است‌. پس آنچه كه از روزيش زياد مى‌آيد براى زن مصرف مى‌شود و به نزديكان داده نمى‌شود مگر آنكه از نفقۀ زن هم اضافى آمده باشد. » ( تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌3، ص: 569 )

همچنین علامه در شرایع می‌آورد : « نفقة الزوجية مقدمة على الأقارب‌ . فما فضل عن قوته صرفه إليها ثم لا يدفع إلى الأقارب إلا ما يفضل عن واجب نفقة الزوجة ل‍ أنها نفقة معاوضة و تثبت في الذمة‌. » ( شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام؛ ج‌2، ص: 296 )

سادسا با بررسی ادله و با توجه به اینکه فقر در وجوب نفقه اقارب شرط است می‌یابیم که وجوب نفقه دادن به اقارب و خویشان ، از نوع واجب کفایی است و نه واجب عینی. این امر در وجوب نفقه دادن به همسر برعکس می‌باشد. یعنی از اینکه فقر در وجوب نفقه به همسر شرط نمی‌باشد می‌بابیم که وجوب در این قسم عینی می‌باشد و نه کفایی.

## **جمع بندی**

با مقایسه اقسام نفقه که در این فصل بیان شد، مشخص شد که این اقسام با یکدیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که در اینجا به ذکر پنج مورد از تفاوت‌ها و پنج مورد از شباهت‌ها پرداختیم. برخی از این تفاوت‌ها بسیار مهم هستند که عدم توجه به آن‌ها به علت شباهت کلی اقسام نفقه با یکدیگر می‌تواند واجب شرعی را از مکلف تفویت کند.

البته ممکن است با دقت بیشتر و عالمانه تر در شرایط و احکام ، بتوان مقایسه دقیق تری بین اقسام انجام داد و در نتیجه شباهت‌ها و تفاوت‌ها بیشتری یافت.

# **نتیجه گیری**

اقسام نفقه که با توجه به شخص نفقه‌گیرنده به سه دسته نفقه همسر ، نفقه نزدیکان و نفقه مملوک تقسیم می‌شود هر کدام دارای احکامی و شرایط مختص خود می‌باشد.

لکن هر کدام از این موارد در برخی از احکام و یا شرایط با قسم دیگر اشتراکاتی دارد که ممکن است انسان را به این خلط بندازد که شرایط و احکام اقسام مختلف کاملا هم پوشانی دارد.

در این فصل با بیان تفاوت‌های این اقسام با یکدیگر ، متوجه دقت‌های موجود در هر کدام از این اقسام شده و فهمیده شد که مثلا فقر اگرچه شرط وجوب در وجوب نفقه دادن مکلف به نزدیکانش است ، لکن هیچ موضوعیتی در وجوب نفقه دادن مکلف به همسرش ندارد و همسر حتی اگر دارای تمکن مالی نیز باشد ، باز هم بر شوهرش واجب است که نفقه او را بپردازد. تفاوت‌‌های بسیار مهم دیگری نیز وجود دارد که در فصل اخیر به آن اشاره شد.

# منابع

1- قرآن کریم

2- قمّى، صدوق، محمّد بن على بن بابويه، علل الشرائع، 2 جلد، كتابفروشى داورى، قم - ايران، اول، 1386 ه‍ ق.

3- اصفهانى نجفى ( ايوان كيفي )، محمد تقى بن عبدالرحيم، هداية المسترشدين ( طبع قديم ) - قم، چاپ: اول.

4- نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، 43 جلد، دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، هفتم، 1404 ه‍ ق.

5- حلّى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، 2 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1410 ه‍ ق.

6- عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، 3 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، 1417 ه‍ ق.

7- عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، 4 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1419 ه‍ ق.

8- عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان (ط - الحديثة)، 2 جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1402 ه‍ ق.

9- خمينى، سيد روح اللّه موسوى، تحرير الوسيلة، 2 جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ايران، اول، ه‍ ق.

10- عاملى، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، 30 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1409 ه‍ ق.

11- عاملى، سيد محمد حسين ترحينى، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، 9 جلد، دار الفقه للطباعة و النشر، قم - ايران، چهارم، 1427 ه‍ ق.

13- عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، غاية المراد في شرح نكت الإرشاد، 4 جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1414 ه‍ ق.

14- حلّى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، 9 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، 1413 ه‍ ق.

15- خمينى، سيد روح اللّه موسوى - مترجم: اسلامى، على، تحرير الوسيلة - ترجمه، 4 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، 21، 1425 ه‍ ق.

16- سبحانى تبريزى، جعفر، إرشاد العقول الى مباحث الأصول - قم، چاپ: اول، 1424 ق.

17- اراكى، محمدعلى، أصول الفقه - قم، چاپ: اول، 1375 ش.

18- حلّى، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، 4 جلد، مؤسسه اسماعيليان، قم - ايران، دوم، 1408 ه‍ ق

1. سوره مبارکه اعراف ، آیه 89. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره مبارکه نساء ، آیه 34. [↑](#footnote-ref-2)
3. الوسائل الباب - 1- من أبواب النفقات ، حديث 1. [↑](#footnote-ref-3)
4. الوسائل الباب - 1- من أبواب النفقات ، حديث 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. الوسائل الباب - 1- من أبواب النفقات ، حديث 7. [↑](#footnote-ref-5)
6. الوسائل الباب- 8- من أبواب النفقات حديث 1. [↑](#footnote-ref-6)
7. الوسائل الباب- 45- من أبواب المتعة حديث 1. [↑](#footnote-ref-7)
8. الوسائل الباب- 6- من أبواب النفقات حديث 2. [↑](#footnote-ref-8)
9. الوسائل الباب- 6- من أبواب النفقات حديث 1. [↑](#footnote-ref-9)
10. الوسائل الباب- 11- من أبواب النفقات حديث 3. [↑](#footnote-ref-10)
11. الوسائل الباب- 1- من أبواب النفقات حديث 4. [↑](#footnote-ref-11)
12. الوسائل الباب- 11- من أبواب النفقات حديث 5. [↑](#footnote-ref-12)
13. الوسائل الباب- 13- من أبواب المستحقين للزكاة حديث1. [↑](#footnote-ref-13)
14. الوسائل الباب- 13- من أبواب المستحقين للزكاة حديث3. [↑](#footnote-ref-14)
15. الوسائل الباب- 1- من أبواب النفقات حديث 9. [↑](#footnote-ref-15)
16. الوسائل الباب- 11- من أبواب النفقات حديث 4. [↑](#footnote-ref-16)
17. الوسائل الباب- 13- من أبواب المستحقين للزكاة حديث1. [↑](#footnote-ref-17)
18. الوسائل الباب- 13- من أبواب المستحقين للزكاة حديث4. [↑](#footnote-ref-18)
19. الوسائل الباب - 1- من أبواب النفقات ، حديث 7. [↑](#footnote-ref-19)